



مطالعه تطبیقی مرور زمان در حقوق ایران و آلمان با نگرشی بر جرایم حوزه سلامت

لیلا فرامرزی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Leylafamarzi1362@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مباحثی که در امر رسیدگی به جرایم ارتكابی می‌توان از آن یاد کرد مرور زمان حاصل از جرم می‌باشد، به طوری که وقتی جرمی ارتكاب می‌یابد، بعد از گذشت مدتی که در قانون برای هر جرم مشخص شده است، مرتکب یا مرتکبین آن قابل تعقیب یا مجازات نمی‌باشند، اما باید عنوان کرد که یکی از اصلی‌ترین مباحث در احتساب مرور زمان، زمان این امر می‌باشد به طوری که قانون‌گذار هر کشور از جمله ایران و آلمان در این زمینه باید مشخص نماید که مرور زمان در جرایم ارتكابی در چه زمانی شروع می‌شود. به طوری که در قانون آلمان وقتی به مبنای شروع مرور زمان توجه می‌شود بر این امر تاکید می‌کند که مرور زمان بعد از قطعی شدن حکم دادگاه نسبت به مجرم محاسبه می‌شود و در حقوق ایران نیز ملاک‌هایی مانند زمان وقوع جرم، زمان آخرین تعقیب و زمان شکایت مورد توجه قرار گرفته است، هدف این مقاله بررسی مرور زمان در قانون آلمان و ایران و قواعد حاکم بر آنها می‌باشد.

روش‌شناسی: در این مقاله به روش کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مقالات و قوانین که در این زمینه مطالبی را ارائه کرده‌اند تدوین شده است.

یافته‌ها و نتایج: قانون‌گذار آلمان شروع مرور زمان را، زمان تکمیل جرم که همان قطعی شدن حکم صادره توسط دادگاه می‌باشد دانسته است و مبنای محاسبه مرور زمان برای هر جرم را مجازات حبس ناشی از آن جرم در نظر گرفته است، مواردی از قبیل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و مهلت جبران ضرر و زیان مادی و معنوی را نیز از موارد رفع مرور زمان دانسته است، حقوق کیفری ایران نیز ملاک‌های چندگانه برای ایجاد مرور زمان در نظر گرفته است، البته مرور زمان صرفاً در تعزیرات قابلیت اجرا دارد و برخی از جرایم خاص نیز استثناء شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مرور زمان، تکمیل جرم، توقف مرور زمان، حکم توقیفی، حقوق آلمان، حقوق ایران



مقدمه

یکی از قواعد حاکم در حقوق کیفری ایران و آلمان، مرور زمان کیفری ناشی از جرم می‌باشد، به طوری که قانون‌گذار آلمان مواد ۷۸ تا ۷۹ را به امر مرور زمان اختصاص داده است که در آن مبنای مرور زمان را تکمیل جرم از ناحیه مرجع قضائی دانسته است و در دو حالت مرور زمان را قانون‌گذار آلمان موجب منع تعقیب کیفری قرار داده است، به طوری که اولین شرط آن طی شدن مدت مرور زمان به مدت دوبرابر و شرط دوم مدت مرور زمان کمتر از سه سال باشد، یکی دیگر از مواردی که باید در قانون آلمان نسبت به مرور زمان کیفری مدنظر قرار داد اثر قانون لاحق می‌باشد به طوری که حتی در صورتیکه قبل از صدور رای قانونی مساعد به حال متهم وضع شود در این صورت قانون جدید برای متهم اعمال می‌شود، به نوعی قواعد شکلی در مورد قانون لاحق زمانی قابلیت اعمال را دارد که قبل از صدور حکم قطعی از ناحیه دادگاه باشد و گرنه قابلیت اجرا را نخواهد داشت. در حقوق ایران نیز قواعد مرور زمان از ماده ۱۰۵ تا ۱۱۳ را در بر می‌گیرد و ملاک‌هایی برای مرور زمان در نظر گرفته شده است.

یکی دیگر از مباحث بسیار مهم در مورد مرور زمان در قانون آلمان می‌توان اشاره کرد در مورد مجرمینی است که در خارج از کشور آلمان اقامت دارند که قانون‌گذار آلمان شروع مرور زمان را برای این گونه افراد منوط به دو حالت ۱- درخواست استرداد از ناحیه مقامات صلاحیت دارد ۲- رسیدگی در کشور محل اقامت متهم می‌باشد به طوری که بعد از درخواست استرداد به محض این که کشور دریافت کننده استرداد شروع به بررسی استرداد کرد مرور زمان شروع می‌شود، با توجه به موارد گفته شده به بررسی مرور زمان در قانون جزایی آلمان و همچنین حقوق کیفری ایران می‌پردازیم:

۱- فلسفه شکل‌گیری مرور زمان

نظام قضایی کشورها، پس از سپری شدن مهلت مقرر قانونی، تعهدی برای استماع دعوی افراد ندارند که این رفتار را می‌توان از عادلانه‌ترین رفتار حاکمیت با شهروندان دانست که در فرصتی گسترده به دعاوی آنها رسیدگی خواهد نمود و پس از انقضای این مهلت چنین فرض می‌شود که شخص تمایلی به تعقیب متهم ندارد و در واقع، اماره بر انصراف از حق تلقی می‌شود. درباره فلسفه مرور زمان گفته‌اند، ترسی که از تعقیب جرم و مجرم ایجاد می‌گردد، خود بهترین وسیله تزکیه مجازات او بوده و پس از تحمل این ترس در مدت زمان زیادی، تعقیب و مجازات او بر خلاف اصل عدالت می‌باشد. ضمناً با گذشت مدت زمان طولانی از تاریخ ارتکاب جرم، افکار عمومی از وقوع حادثه بزهکارانه متاثر نبوده و آن را به بوته فراموشی می‌سپارد. فلذا تعقیب مجرم از لحاظ عبرت سایرین، نفعی عاید جامعه نخواهد کرد و بهتر است که آن را مشمول قانون فراموشی قرار داد. همچنین تهیه دلیل علیه مرتکب جرم با گذشت زمان مواجه با اشکال خواهد شد و اگر تهیه دلایل محال نباشد، لااقل بسیار مشکل می‌باشد، زیرا بر اثر مرور زمان چه بسا شهود قضیه فوت شده و یا متفرق گردیده و دسترسی به آنان امکان‌پذیر نخواهد بود و یا اثرات مادی جرم از قبیل آثار علایم معدوم شده‌اند. ضمناً هرچه اجرای مجازات سریع‌تر و از نظر زمانی نزدیک‌تر به وقوع جرم باشد، سودمندتر و عادلانه‌تر است.

۲- مرور زمان در حقوق کیفری ایران

مرور زمان، گذشت زمانی است که مانع طرح دعوا یا موجب سقوط دعوی عمومی است. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲، برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چند نوع مرور زمان را در امور کیفری به رسمیت شناخت. اصولاً پذیرش مرور زمان در حقوق کیفری ایران به کشمکش‌های ممتدی باز می‌گردد که در قوانین پس از انقلاب با مخالفت شدید شورای نگهبان مواجه شد و از قوانین جزایی کشور حذف گردید، اظهار نظر شورای نگهبان به داعیه غیر شرعی بودن «مرور زمان»، در سال‌های اولیه



پس از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً موجب شد محاکم ما از صدور رأی به استناد مرور زمان امتناع کنند.^۱ لکن پس از مدتی به دلیل مشکلات قضایی و اجرایی و تراکم پرونده‌ها در محاکم قضایی ضرورت نیاز به آن در بین حقوقدانان احساس شد و در مجازات‌های مو صوف به بازدارنده و اقدامات تامینی و تربیتی و دعوی کیفری ناشی از چک پذیرفته شد در نهایت همانطور که بیان شد، در سال ۱۳۹۲ به دلیل حذف عنوان مجازات بازدارنده و تعمیم تعزیرات به آن مرور زمان در تعزیرات نیز پذیرفته شد. متقاضی قاعده بید الحاکم بودن تعزیرات در فقه امامیه ایجاب می‌کند که حاکم شرع بتواند هر نوع مصلحت اندیشی در جرائم تعزیری از جمله مرور زمان را داشته باشد. پذیرش مرور زمان در تعزیرات با توجه به ضرورت‌های اجتماعی می‌تواند تامین کننده مصالح اجتماعی گردد. آدر متن قوانین ایران، برای شکایت شاکی، تعقیب جرم و اجرای مجازات مدت زمان‌های مشخصی قرار داده شده است که در صورت منقضی شدن آن زمان‌ها حسب مورد دیگر شاکی حق شکایت نخواهد داشت، ضابطین یا داد سرا حق تعقیب مجرم را از دست می‌دهند و قاضی اجرای احکام نیز حق اجرای مجازات را نخواهد داشت. اصطلاحاً به این مقررات در حقوق کیفری قواعد مرور زمان می‌گویند. بدین ترتیب که اگر فردی مرتکب جرمی تعزیری شد نباید همواره در هراس تعقیب و مجازات ولو برای چندین سال پس از ارتکاب جرم بماند و از طرفی شاکی نیز برای تعقیب باید مقید به زمان خاصی باشد زیرا ادله جرم یا شهود حاضر در صحنه یا اوضاع و احوال برای همیشه ثابت نمی‌ماند تا نهاد تعقی بتواند فرضاً ده سال پس از جرم سرقت تعزیری سارق را بیابد. از طرفی نیز ممکن است تعقیب نشدن او به دلیل گذشت شاکی یا عدم رغبت او به شکایت بوده است. پس باید در زمان‌های مشخص شده در قانون تکلیف جرم و مجرم به نحوی از انحاء مشخص گردد.

قواعد مرور زمان شامل جرائم تعزیری است و شامل مجازات‌های حدی، قصاص و دیات نمی‌شود.^۲ البته این نظر فقهای شیعه است، زیرا فقهای اهل تسنن یا عامه آن را به مجازات تعزیری و حتی در برخی از فرق آن (ابوحنیفه) مرور زمان را به غیر حق الناس و قصاص، دیه و حد قذف در سایر موارد بلا شکال می‌داند و همانطور که بیان شد، فقهای امامیه مثل امام خمینی (ره) مرور زمان را در جرائم حدود، قصاص و دیات مورد پذیرش قرار نداده است و آن را مغایر موازین شرعی می‌داند، ولی در جرائم تعزیری حاکم می‌تواند بنا بر مصلحت اندیشی مرور زمان را لحاظ کند.^۳

از جمله اقسام مرور زمان، مرور زمان تعقیب است که عبارت است از سپری شدن مدتی که متهم تحت تعقیب قرار نگرفته است و پس از انقضای این مدت دیگر تعقیب وی منتفی است، لازم به ذکر است که مدت مرور زمان اجرای مجازات بیشتر از مدت مرور زمان تعقیب مجازات است.^۴

مرور زمان تعقیب مجازات از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی آغاز می‌شود و مدت مرور زمان اجرای مجازات از تاریخ قطعیت حکم آغاز می‌گردد و مدت مرور زمان شکایت نیز از تاریخ اطلاع از وقوع جرم شروع می‌شود.

یکی از جلوه‌های مرور زمان در حقوق ایران، مرور زمان شکایت است، مقنن در ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد در جرایم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر این که تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه خواهد شد. لازم به ذکر است که مرور زمان شکایت، فرع بر مرور زمان تعقیب است، پس اگر شاکی یا ورثه او تحت سلطه متهم نباشند در این صورت حتی با فرض شمول مرور زمان تعقیب، حق

۱. حائری، مسعود، مرور زمان کیفری در حقوق کنونی ایران: ابهامات، کاستی‌ها، چاره‌جویی‌ها، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸، ۱۳۸۴، ص ۴۹.
 ۲. حبیبی تبار، جواد و کرمی پور، مصطفی، جایگاه مرور زمان در تعزیرات از منظر فقه و حقوق اسلامی، مقاله ارائه شده به کنفرانس ملی چاروسوی علوم انسانی، ۱۳۹۴، ص ۲.
 ۳. ابراهیم پور، کاوه، مرور زمان در احکام کیفری از منظر فقه امامیه و عامه، تهران، نشر بخشایش، ۱۳۹۳، ص ۴۳.
 ۴. رجبی، اکبر و مهدوی پور، اعظم، بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی (ره)، نشریه متین، شماره ۷۹، ۱۳۹۷، ص ۴۷.
 ۵. قدمی عزیز آباد، مصیب، بررسی مرور زمان در حقوق کیفری ایران، با تاکید بر مرور زمان تعقیب، نشریه اندیشمندان حقوق، شماره ۱۲، ۱۳۹۶، ص ۱۲۵.



شکایت کیفری برای شاکی یا ورثه او محفوظ است و در صورت عدم تحقق مرور زمان شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت، به لحاظ اینکه مشمول مرور زمان تعقیب شده است حق شکایت کیفری برای شاکی و ورثه او ساقط می‌گردد و به سخن دیگر، اگر مشمول مرور زمان تعقیب شده باشد ولو اینکه از جرایم تعزیری قابل گذشت بوده و یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم منقضی نشده باشد، حق شکایت کیفری شاکی و ورثه او ساقط می‌شود.^۶

از جمله حقوق دیگر مرور زمان در حقوق کیفری ایران، مرور زمان صدور حکم یا دادرسی است، مرور زمان صدور حکم یا دادرسی مربوط به پرونده‌های تشکیل شده در جهت تعقیب جرم است. در این شکل مرور زمان با انقضاء مدتی از انجام آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی در پرونده تا صدور حکم قطعی شکل می‌گیرد.^۷ به طوری که اگر در این مدت پرونده منجر به صدور حکم قطعی نگردد موضوع مشمول مرور زمان شده و دیگر نمی‌توان به آن رسیدگی کرد. ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی به این امر اختصاص یافته است که طبق تبصره آن، منظور از اقدام تعقیبی یا تحقیقی، اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می‌دهند.^۸

در حقوق کیفری ایران، این مجازات‌ها شامل مرور زمان نمی‌شوند: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و تبصره ماده ۳۶، جرائم موضوع مواد مخدر.

مطابق با ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود».^۹

مطابق با ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی نیز: «قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به کلیه شرکاء و معاونان اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می‌شود هرچند تعقیب فقط درباره یکی از آنها شروع شده باشد. همچنین شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکاء یا معاونان جرم قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است».^{۱۰}

بدین ترتیب که اگر الف و ب شراکتاً مرتکب سرقت تعزیری شوند و الف دستگیر گردد، بعد از گذشت مدتی از ارتکاب جرم شخص ب نمی‌تواند به قواعد مرور زمان استناد کند و استدلال نماید که از تاریخ وقوع جرم تا به حال که مثلاً ۱۰ سال گذشته است تعقیب و احضار و جلب ... نشده زیرا تعقیب شریک یا معاون او سبب می‌شود مرور زمان در مورد معاونین و شرکای دیگر نیز شکل نگیرد.

از جمله آثار مرور زمان محو محکومیت کیفری است، به این معنی که اگر محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش باشد و حکم محکومیت قطعی به سبب مرور زمان قابل اجرا نباشد و در این حال مرتکب جرم جدید موجب تعزیر شود، رفتار او تکرار جرم محسوب نمی‌شود، ولی اگر جرم بعدی از تاریخ قطعیت حکم تا زمانی که آثار جرم نخستین تداوم دارد ارتکاب یابد، قانونگذار جرم دوم را مشمول مقررات تکرار جرم و از موجبات تشدید مجازات تلقی کرده است. اثر مهم دیگر سقوط مجازات است، با سقوط مجازات اصلی، مجازات تکمیلی نیز ساقط می‌گردد، ولی مرور

^۶ فرشباف، ایرج، بررسی تطبیقی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون کیفری فرانسه، نشریه کانون وکلا، ۱۳۹۵، شماره ۲۳۲ و ۲۳۳، ص ۱۶۸.

^۷ رجبی، اکبر و مهدوی پور، اعظم، بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی (س)، نشریه متین، شماره ۷۹، ۱۳۹۷، ص ۵۳.

^۸ خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر شهر دانش، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸.

^۹ یارمحمدی، علیرضا، قطع و تعلیق مرور زمان کیفری، تهران، نشر پرپروک، ۱۳۹۷، ص ۲۱.

^{۱۰} گلدوزیان، ایرج، محشی قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰.



زمان تأثیری بر محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی ندارد، این محرومیت‌ها پس از مرور زمان در مدت زمان مقرر همچنان تداوم می‌یابند.^{۱۱}

۳- مرور زمان در حقوق آلمان

قانون گذار آلمان، تعریفی از مرور زمان در قانون ارائه نکرده است ولی در قسمت اول ماده ۷۸ قانون مجازات آلمان شروع مرور زمان را از زمان تکمیل جرم می‌داند: «مدت مرور زمان محدودیت زمانی، به محض تکمیل جرم شروع خواهد شد».^{۱۲} به طوری که بعد از پایان مرور زمان مقرر شده در قانون برای هر یک از جرایم ارتكابی، دیگر مجرم از منظر قانون آلمان قابل تعقیب و مجازات نمی‌باشد. به طوری که در ماده ۷۹ قانون مجازات آلمان به مدت زمان مرور زمان در جرایم پرداخته است و بعد از اتمام این زمان، متهم دیگر قابل تعقیب نمی‌باشد، باید عنوان کرد ملاک مدت مرور زمان از تاریخ شروع و انقضاء مدت آن به مدت حبس بستگی دارد، به طوری که اگر جرم ارتكابی دارای مجازات حبس بیش از ۱۰ سال باشد مرور زمان ۲۵ سال خواهد بود.

بند ۱ از قسمت سوم ماده ۷۹ قانون مجازات آلمان مقرر می‌دارد که «برای مجازات حبسی که بیشتر از ده سال سال باشد، بیست و پنج سال خواهد بود ...» اگر جرم ارتكابی دارای مجازات حبس، حداقل از ۵ سال و حداکثر ۱۰ سال یا کمتر باشد مدت مرور زمان بیست سال خواهد بود. بند ۲ قسمت سوم ماده یاد شده مقرر می‌دارد که «برای مجازات حبسی که پنج سال و کمتر از ده سال باشد، بیست سال خواهد بود»، اگر جرم ارتكابی حداقل مجازات ۱ سال و حداکثر پنج سال باشد، مدت مرور زمان در این گونه جرایم ده سال خواهد بود. بند ۳ قسمت سوم ماده یاد شده نیز مقرر می‌دارد که «برای مجازات حبسی که حداقل یکسال و حداکثر آن پنج سال باشد، ده سال خواهد بود».

حالت بعد، زمانی است که حداکثر مجازات جرم ارتكابی حبس کمتر از یکسال می‌باشد، در این صورت مدت مرور زمان این گونه جرایم ۵ سال خواهد بود، بند ۴ قسمت سوم ماده یاد شده مقرر می‌دارد که: «برای مجازات حبسی که حداقل آن یکسال باشد و جریمه‌هایی که بیشتر از سی واحد روزانه باشد، پنج سال خواهد بود». اگر مجازات جرم ارتكابی حبس کمتر از سی روز باشد در این صورت مدت مرور زمان سه سال خواهد بود. بند ۵ قسمت سوم ماده یاد شده مقرر می‌دارد که «برای جریمه‌هایی که بیشتر از سی واحد روزانه نباشد، سه سال خواهد بود» اما در مورد کسانی که به واسطه داشتن اعتیاد دستگیر شده‌اند نیز قانون گذار برای این گونه افراد نیز موظف به ترک اعتیاد خود کرده است (که در این قانون به حکم توقیفی برای درمان اعتیاد معروف است)، حداکثر مرور زمان ۵ سال خواهد بود، در این باره شماره ۱ بند ۵ از قسمت سه ماده ۷۹ مقرر می‌دارد که: «... و اولین حکم توقیفی درمان اعتیاد، پنج سال خواهد بود» یکی از نکات جالبی که در قانون آلمان می‌توان به آن اشاره کرد، این نکته است که در این قانون، حبس ابد م شمول مرور زمان نمی‌باشد، به طوری که در بند ۲ ماده ۷۹ مقرر می‌دارد که «اجرای مجازات‌های حبس ابد، تابع مرور زمان قانونی نیستند ...»، باید عنوان کرد که علاوه بر مجازات حبس ابد مجازات‌هایی مانند حبس توأم با جزای نقدی (ملاک پرداخت جزای نقدی می‌باشد)، مصادره اموال، سلب مالکیت و تخریب مطابق بند ۵ مکرر از قسمت سوم ماده ۷۹ قانون جزایی آلمان م شمول مرور زمان نمی‌باشد. در صورتی که مجازات حبس و جریمه مالی، به طور همزمان وضع گردد یا در صورتی که علاوه بر مجازات به اقدام توقیفی، مصادره، سلب مالکیت^{۱۳} یا تخریب

^{۱۱} اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷.

^{۱۲} قانون مجازات آلمان، (ترجمه اصلی عباسی)، تهران، انتشارات حقوقی مجد، توضیح اینکه در این مقاله قانون مجازات آلمان ترجمه خانم اصلی عباسی مورد استفاده می‌باشد و در سایر موارد برای جلوگیری از تکرار منبع ذکر شده در موارد استناد به قانون از ذکر منبع خوداری می‌شود.

^{۱۳} باید عنوان کرد که در قانون اساسی آلمان بند ۳ از اصل ۱۴ سلب مالکیت از افراد را فقط در یک امر موجه دانسته آن هم زمانی که برای منافع عمومی باشد و اجرای آن را منوط به قانون دانسته است:



مجازات حبس نیز تعیین گردد، اجرای مجازات حبس یا یکی از اقدامات فوق، قبل از اجرای اقدام دیگری، به واسطه مرور زمان قانونی منع نخواهد شد... اما باید عنوان کرد که مرور زمان در موارد گفته شده در چند حالت متوقف می شود: ۱- به دلایلی قانونی حکم اجرا نشده یا از اجرای حکم جلوگیری شده است که در این صورت حتی با وجود صدور حکم دادگاه و قطعی شدن حکم مرور زمان اجرا نمی شود. ۲- حکم محکومیت متهم تعلیق شده است یا صدور حکم متهم بنا به دلایل قانون در این قانون صادر نشده است باید عنوان کرد که تازمانی صدور حکم متهم تعویق شده یا اجرای مجازات آن تعلیق شده است مشمول مرور زمان نخواهد بود قسمت الف از بند ۲ ماده ۷۹ قانون مجازات آلمان مقرر می دارد که «دستور تعلیق یا تعویق اجرای حکم صادر گردد». ۳۱۴- مهلتی برای پرداخت جرایم مالی به متهم داده شده یا زمانی برای اجرای حکم صادره یا سلب مالکیت معین شده است که در این موارد بعد از پرداخت جریمه مالی متهم دیگر مشمول مرور زمان نخواهد بود یا در مورد حکم صادره یا سلب مالکیت زمان اجرای حکم ملاک عمل خواهد بود، یعنی تاریخ اجرایی که در حکم دادگاه قید شده است: «ضرب العجل های پرداخت اقساط جرایم مالی یا مهلتی جهت صادره یا سلب مالکیت معین گردد» با توجه موارد گفته شده این سوال مطرح می شود یا به بیان بهتر ابهامی که وجود دارد این است که منظور قانون گذار آلمان از تکمیل جرم چیست؟ آیا منظور همان زمان ارتکاب جرم است یا زمان تکمیل تحقیقات و صدور حکم می باشد که مبنای شروع مرور زمان می باشد؟ برای همین منظور قانون گذار در ماده ۷۸ قانون مجازات آلمان به ذکر چند مورد پرداخته که در زمان انجام این موارد مرور زمان متوقف می شود: ۱- تحقیقات ضابطان از متهم یا شاهدان یا کسانی که به نوعی در جرم دخیل می باشد. ۲- اقدامات دادسرا از قبیل بازجویی از متهم یا متهمان، بازداشت متهم، یا جلب وی برای انجام تحقیقات، صدور دادستان کیفر خواست از ناحیه دادستان، ۳- مرحله رسیدگی در دادگاه بدوی از قبیل پذیرش کیفرخواست، تاریخ محاکمه متهم، عدم پذیرش کیفرخواست توسط دادگاه بدوی که در دو حالت دادگاه بدوی می تواند اقدام به این امر نماید: ۱- صدور کیفرخواست به دلیل عدم حضور متهم صورت گرفته باشد ۲- عدم در نظر گرفتن حقوق متهم در جریان تحقیقات، با توجه به موارد گفته شده می توان گفت جریان تحقیقات اولیه از متهم مبنای شروع مرور زمان در قانون آلمان نمی باشد. برای پاسخ به سوال مطرح شده باید عنوان کرد که مرور زمان بعد از قطعی شدن حکم دادگاه شروع می شود، در این باره بند ۶ از قسمت سوم ماده ۷۹ قانون مجازات آلمان مقرر می دارد که «مدت مرور زمان، زمانی که حکم دادگاه قطعی گردد، شروع خواهد شد».

۴- توقف مرور زمان

قانون آلمان در ماده ۷۸ قانون مجازات شرایطی را مشخص کرده است که در صورت وجود هر یک از شرایط مرور زمان متوقف خواهد شد، اولین شرطی که در بند ۱ ماده یاد شده بیان شده است سن بزه دیده می باشد، به طوری که اگر بزه دیده در ارتکاب جرایم مندرج در ماده ۱۷۴ قانون مجازات آلمان از قبیل ۱- سوء استفاده از سمت قیمومت ۲- سوء استفاده جنسی از زندانیان، بیماران و اشخاص بستری شده، ۳- سوء استفاده از مقام رسمی ۴- سوء استفاده از رابطه مشاوره، درمانی یا مراقبتی ۵- سوء استفاده مشدد از کودکان ۵- سوء استفاده از کودک که منجر به مرگ وی گردد (به نوعی می توان بیان کرد که بیشتر ملاک قانون گذار آلمان در زمانی است که از فرد کمتر از ۱۸ سال ۱۵ سوء استفاده جنسی شده باشد مدنظر می باشد) زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته باشد مرور زمان وی متوقف می شود تا به سن مورد نظر برسد «تا زمانی که فرد زبان دیده از جرایم مندرج در مواد ۱۷۴ تا ۱۷۴ ج و مواد ۱۷۶ تا ۱۷۹، به سن ۱۸ سالگی برسد».

^{۱۴} باید عنوان کرد که مطابق بند «ب» از قسمت ۲ ماده ۷۹ قانون مجازات آلمان، زمانی قرار تعویق صدور حکم یا تعلیق اجرای مجازات داده می شود که ۱- به دستور قضائی باشد ۲- حکم عفو «دستور توقف مجازات و تعلیق مجازات بنا بر دستور قضائی یا حکم عفو صادر گردد».

^{۱۵} مطابق بند ۲ از اصل ۳۸ قانون اساسی آلمان اهلیت قانونی در این کشور ۱۸ سال می باشد:

Wahlberechtigt ist, wer das achtzehnte Lebensjahr vollendet hat; wählbar ist, wer das Alter erreicht hat, mit dem die Volljährigkeit eintritt.



یکی دیگر از موارد توقف مرور زمان در قانون جرایمی آلمان این امر می‌باشد که مجرم جزء اعضای پارلمان ایالت یا یکی از نهادهای قانونگذاری ایالتی می‌باشد^{۱۶} که در این صورت به درخواست مجلس فدرال تعقیب وی ممکن نباشد، در این صورت مشمول مرور زمان نخواهد بود. بند ۱۷ ماده ۷۸ مقرر می‌دارد که «اگر به دلیل آن که مجرم، یکی از اعضای پارلمان فدرال یا یکی از نهادهای قانون گذاری ایالتی باشد، تعقیب وی امکان پذیر نباشد»، در این صورت قانون گذار آلمانی در مواردی که هر یک از اعضای پارلمان مرتکب جرم شوند و به هر دلیل تعقیب آنها ممکن نباشد در دو حالت تعقیب آنها مشمول مرور زمان نخواهد بود. قسمت دوم بند ۲ از ماده ۷۸ مقرر می‌دارد که: «... توقف مرور زمان فقط از تاریخ انقضاء روزی که در آن ...» اولین شرط که زمانی که هویت مجرم برای دادستان عمومی یا هریک از مقامات دولتی یا مامورین پلیس تایید شود «... دادستان عمومی یا یک مقام دولتی یا مامور پلیس، از ارتکاب جرم و هویت مجرم مطلع شده‌اند ...». دومین شرط این که دادخواست یا تعقیب وی خواسته شده باشد «دادخواست کیفری یا تقاضای تعقیب علیه مجرم، ارائه شده باشد»

حالت بعدی که در مورد مرور زمان و توقف آن در قانون آلمان باید بدان اشاره کرد، زمانی است که حکم صادره قبل از انقضاء مدت مرور زمان صادر می‌شود که در این صورت مدت مرور زمان منقضی نمی‌شود، بند سه ماده ۷۸ مقرر می‌دارد که «در صورتی که قبل از انقضاء مرور زمان، در جلسه اول رسیدگی، حکمی صادر گردد، مدت مرور زمان، قبل از زمان اختتام نهایی رسیدگی، منقضی نخواهد شد».

حالت چهارم مبنی بر شرایط توقف مرور زمان در قانون آلمان رسیدگی دادگاه بخش در مورد ساده یا مشدد بودن جرم ارتكابی که مجازات قانونی آن پنج سال می‌باشد، در این صورت، مرور زمان از تاریخ پذیرش کیفرخواست، توسط دادگاه بدوی متوقف می‌شود. البته باید عنوان کرد که حداکثر توقف مرور زمان در این مورد ۵ سال خواهد بود، در این باره بند ۴ ماده ۷۸ قانون مجازات آلمان مقرر می‌دارد که «در صورتی که در بخش ویژه، در خصوص موارد مشدد، مجازات حبسی که بیشتر از پنج سال نباشد مقرر شده و در صورتی که دادگاه بخش رسیدگی در دادگاه بخش آغاز شده باشد در موارد مندرج در زیر بند ۴ بند (۳) ماده ۷۸ مرور زمان قانونی از تاریخ پذیرش کیفرخواست توسط دادگاه بدوی، که بیشتر از پنج سال نخواهد گردید، متوقف خواهد شد، بند (۳) فوق، بدون تغییر باقی خواهد ماند».

حالت بعدی برای توقف مرور زمان، زمانی است که مجرم ساکن خارج آلمان می‌باشد، در این صورت مقام صلاحیت دار تقاضای استرداد مجرم را به کشور محل اقامت مجرم ارائه می‌کنند، قسمت اول بند ۵ ماده ۷۹ قانون جزایی آلمان مقرر می‌دارد که: «اگر مجرم ساکن در خارج از قلمرو جمهوری فدرال آلمان باشد و در صورتی که مقام ذی صلاح مربوطه، تقاضای رسمی جهت استرداد مجرم به خاک آلمان را ارائه نماید ...». در این باره سوالی که مطرح می‌شود این است که مرور زمان چه زمانی شروع می‌شود؟ در پاسخ باید عنوان کرد که بعد از این که مقامات صلاحیت دار آلمانی تقاضای استرداد را به کشور محل اقامت مجرم ارائه کردند، مرور زمان با توجه به قسمت دوم از بند ۵ ماده ۷۹ قانون جزایی آلمان مرور زمان از تاریخی شروع می‌شود که تقاضای استرداد توسط دولت محل اقامت مجرم مورد بررسی قرار گیرد: «مرور زمان از تاریخی که تقاضای مذکور، توسط دولت خارجی محل اقامت مجرم مورد بررسی قرار می‌گیرد ...». آغاز می‌گردد. سوال دیگری که در مورد تاریخ رسیدگی دولت محل

^{۱۶} بند دوم از اصل ۴۶ قانون اساسی آلمان به صراحت بر این امر تاکید می‌کند که در صورتی که نماینده مجلس فدرال مرتکب جرم شود زمانی می‌توان وی را بازداشت کرد که با اطلاع مجلس باشد:

Wegen einer mit Strafe bedrohten Handlung darf ein Abgeordneter nur mit Genehmigung des Bundestages zur Verantwortung gezogen oder verhaftet werden, es sei denn, daß er bei Begehung der Tat oder im Laufe des folgenden Tages festgenommen wird.

^{۱۷} باید عنوان کرد که در صورتی که هر یک از نمایندگان مجلس فدرال تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند یا بازداشت شدند در صورتی که مجلس فدرال درخواست متوقف کردن یا آزادی نماینده بازداشت شده را بده باید وی آزاد گردد در این باره بند ۴ از اصل ۴۶ قانون اساسی آلمان مقرر می‌دارد که:

Jedes Strafverfahren und jedes Verfahren gemäß Artikel 18 gegen einen Abgeordneten, jede Haft und jede sonstige Beschränkung seiner persönlichen Freiheit sind auf Verlangen des Bundestages auszusetzen.



اقامت مجرم مطرح می شود این است که اگر تاریخ اقامت مجرم مشخص نباشد تکلیف چیست؟ قسمت دوم از بند ۵ ماده ۷۹ قانون جزایی آلمان بر این امر تأکید می کند که اگر تاریخ شروع تحقیقات توسط محل اقامت مجرم مشخص نباشد، در این صورت اصل بر این امر قرار داده می شود که یک ماه پس از سال در خواست به کشور مزبور، تقاضا توسط این کشور مورد بررسی قرار گرفته است: «... در صورتی که تاریخ قطعی رسیدگی به تقاضا توسط دولت خارجی، قابل احراز نباشد، فرض بر این است که یک ماه بعد از ارسال تقاضا به دولت مذکور، به آن رسیدگی شده است...».

۴-۱. ثبت فهرستی از اعمالی که در قانون مجازات مشمول انقطاع می شوند:

شرح علل قانونی در قانون مجازات مصوب سال ۱۹۶۰، دلایلی را مشخص می کند که قوه مقننه آلمان در آن زمان به بحثی فیصله داده است که از دهه ۱۹۲۰ در سراسر راین ادامه داشت و تصمیم گرفت که در این زمینه برای تعیین اعمال قطع مرور زمان به فهرستی رجوع کند.

پیش نویس های قانونی قبلی، موعد قانونی قطع مرور زمان در امر تعقیب و اجرا را حذف کرد (مواد ۶۸، ۷۲ قانون مجازات) و با ایجاد تمدید مهلت قضایی و همچنین به موجب ماده مربوط به تعلیق مرور زمان در مدت طرح دعوی متقارن (دعوی مطرح شده در دادگاهی دیگر) جایگزین شد. با حذف انقطاع، پیش نویس قانونی سال ۱۹۳۰ نیز از امکان تمدید مهلت توسط دادگاه صرف نظر کرد. آنچه که حیطة شمول پیش نویس های قانونی قبلی را تعیین می کرد، این نظر بود که اصلاحات باید به موجب قانون لازم الاجرا، از ضررهای ناشی از انقطاع مهلت (مرور زمان) جلوگیری کند. تأثیر قطع مرور زمان، در این پیش نویس های قانونی، به موجب قانون، با برخی اقدامات قاضی یا مقام اجرایی مرتبط است، که خود آن ها برای اهداف دیگری مورد استفاده قرار می دهند. از اینرو، مرور زمان غالباً قطع می شود، حتی اگر تمدید مهلت آن نه مشخص شده و نه این تمدید خواسته شده باشد. اگر به موجب قانون قابل اجرا، قطع فقط با تمدید مدت مهلت مرور زمان میسر باشد، این امر به عبارتی دیگر از وضعیت نامطلوبی ناشی می شود که ما باید یک عمل تحقیق قضایی یا یک اقدام اجرایی را برای تمدید انجام دهیم، حتی اگر نیازی به اعمال سایر جنبه های وضعیت رسیدگی نباشد. این امر به ویژه مشکل ساز خواهد بود، اگر اغلب مرور زمان بتواند به اختیار قطع شود و به دلیل مغایرت با ایده اولیه مرور زمان، مورد اخیر (به اختیار بودن مرور زمان) برای عمل مستوجب نکوهش کیفری یا قابل مجازات اعمال نمی شود.

این شروط در مقابل مواد ۶۸ و ۷۲ قانون مجازات است. با این حال، پیش نویس قانونی، از قطع مرور زمان قابل اعمال برای تعقیب حمایت می کند. جای تردید است که ماده ای در مورد تعلیق مرور زمان در طول دوره دادرسی متقارن، به تنهایی قادر به برآورده کردن نیاز عملی است که قطع مرور زمان را در مورد مرور زمان تعقیب فراهم می کند، به ویژه هنگامی که به نظر می رسد محدود کردن تعلیق زمان ضروری است. از طرف دیگر، ایجاد تمدید مهلت توسط دادگاه، براساس طرح پیش نویس های قانونی قبلی، موجب ایجاد شروطی می شود. این امر در تضاد با ایده بنیادی مرور زمان است که دقیقاً مبتنی بر خصوصیات نوع پرونده نیست و براساس طرح پیش نویس های قانونی سال های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷، اگر شرایط خاص نوع پرونده اقتضا کرد، باید قابل قبول باشد. از طرف دیگر، شرح جزئیات این شرایط به هر طریقی که نیاز عملی برای تمدید مهلت مرور زمان در پرونده های معین و تضمین قانونی را به هم پیوند دهد، امکان پذیر نیست. به همین دلیل پیش نویس قانونی در نظر گرفته است که قادر به صرف نظر کردن از ایجاد انقطاع در مرور زمان تعقیب نیست، اما با این وجود، اساساً با فهرست کردن یک به یک افعالی را که باعث ایجاد وقفه و به طریقی جامع می شود، کاستی های قانون جاری را از بین می برد. ما می توانیم در مورد پرونده های اجرایی، مرور زمان را مطرح کرده و به وجود آوریم.



۲-۴. فهرست اعمال قطع مرور زمان

مرور زمان که از ارتکاب عمل و تا به هنگامی که عمل با موفقیت^{۱۸} انجام می‌شود، اجرا می‌شود، اگر عواقب آن پس از ارتکاب عمل به وجود آید (بند الف ماده ۷۸ با همین عنوان)، شاید با اعمالی که فهرست آن‌ها از بند (ج) ماده ۷۵ همان قانون حاصل می‌شود، قطع شود، یعنی:

- اولین جلسه استماع^{۱۹} فرد مظنون (متخلف)^{۲۰}؛
- ابلاغ این امر که روال تحقیق مقدماتی (بازرسی)/ تحقیق علیه این شخص آغاز شده است؛
- دستور به امکان ادامه اولین جلسه استماع یا ابلاغ واقعیت این امر که روال تحقیق مقدماتی (بازرسی) یا تحقیق آغاز شده است.
- هرگونه جلسه استماع توسط قاضی شخص مظنون و دستور مربوط به آن؛
- این واقعیت که قاضی یا دادستان یک کارشناس را مؤظف کند تا از هنگامی که فرد مظنون از قبل مورد محاکمه قرار گرفته یا از آغاز تحقیقات علیه وی مطلع شود.
- هرگونه دستور قضایی بازداشت (شخص) یا تفتیش یا بازرسی و همچنین تصمیم قضایی که این امر را طولانی کند.
- حکم بازداشت، حکم حبس، قرار بازداشت و تصمیم قضایی که آن‌ها را طولانی می‌کند.
- آغاز تعقیب عمومی؛
- آغاز دادرسی اصلی^{۲۱}؛
- هرگونه احضار به "جلسه دادرسی اصلی"؛
- دستور کیفری که در چارچوب رویه‌ای ساده صادر شده است در مورد جرائم کیفری که با جریمه قابل مجازات است یا مجازات حبس کمتر از یک سال، محکومیت قطعی وارد بدون جلسه استماع شفاهی یا تصمیمی معادل، اعمال می‌شود.
- خاتمه موقت دعوای حقوقی توسط قاضی به دلیل عدم حضور شخص تحت تعقیب و همچنین هرگونه دستور قاضی یا دادستان که پس از چنین تصمیمی بر خاتمه یا در دادرسی علیه شخص غایب برای تعیین محل اقامت وی یا تأمین دلیل صادر می‌شود؛
- خاتمه موقت روند رسیدگی به دلیل عدم توانایی فرد تحت تعقیب برای شرکت در جلسه دادرسی و همچنین هرگونه دستور قاضی یا دادستان که پس از چنین تصمیمی بر خاتمه برای بررسی اهلیت وی برای شرکت در جلسه دادرسی صادر شده است؛
- و هرگونه درخواست قاضی برای انجام تحقیقات در خارج از کشور.

۳-۴. روش قطع مرور زمان

مرور زمان با اعمال دستور یا تصمیم کتبی، در زمان امضای آن‌ها، قطع می‌شود. اگر این سند مکتوب در اسرع وقت در طول «جریان عادی و منظم کاری»^{۲۲} پس از امضای آن به دست شخص تحت تعقیب نرسد، زمان ثبت شده زمانی است که به طور مؤثر (سند) ارسال شده است. پس از هر قطع (مرور زمان)، مهلت مرور زمان دوباره شروع می‌شود. با این حال، تعقیب بعد از هنگامی مشمول مرور زمان می‌شود که:

^{۱۸}.Erfolg.

^{۱۹}.Vernehmung.

^{۲۰}.Beschuldiger.

^{۲۱}.Hauptverfahren.

^{۲۲}.Geschftsgang



- دو برابر مهلت قانونی مرور زمان از زمان شروع آن بر طبق بند (الف) ماده ۷۸ سپری شده باشد؛
 - و حداقل سه سال سپری شده باشد، هنگامی که مهلت مرور زمان به موجب قوانین خاص کمتر از سه سال است.
 قطع (مرور زمان) با توجه به کسی که عمل را اطلاع داده است، تأثیری ندارد.
 اگر قانونی، که در حین ارتکاب عمل، قابل اجرا بوده است، با کاهش مهلت مرور زمان قبل از صدور رأی، اصلاح شده باشد، اعمال قطع بر مرور زمان قبل از لازم‌الاجرا شدن قانون اصلاح شده، معتبر است، حتی اگر در زمان قطع، تعقیب قانونی به موجب شرایط قانون اصلاح شده از قبل مشمول مرور زمان شده بود.^{۲۳}

۵- تمدید مرور زمان

اولین سوالی که در این باره مطرح می‌شود این است که چه زمانی مدت مرور زمان توسط دادگاه رسیدگی کننده به پرونده تمدید می‌شود؟ قانون‌گذار در بند ب ماده ۷۹ قانون جزایی آلمان بر این نکته تأکید می‌کند که اگر مجرم در کشوری باشد که امکان استرداد وی ممکن نباشد (عدم امکان استرداد ممکن است به دلیل عدم وجود روابط دیپلماتیک بین دو کشور و یا این که کشور جزء اتحادیه اروپا نباشد) در این صورت مقامات اجرای احکام (قاضی اجرای احکام) می‌تواند از دادگاه رسیدگی کننده به پرونده بخواهد برای یک بار مدت مرور زمان را به مدت یک دوم (نصف مدت زمان) زمان را تمدید نماید. «در صورتی که فرد محکوم در حوزه‌ای ساکن باشد که استرداد یا تحویل وی از آنجا، امکان پذیر نباشد، دادگاه می‌تواند، بنا بر تقاضای مقام اجرای احکام، برای یکبار، مدت مرور زمان را قبل از انقضای مرور زمان مربوطه، به میزان یک دوم مرور زمان قانونی تمدید نماید».

۶- نقاط اشتراک و افتراق حقوق کیفری ایران و آلمان

حقوق کیفری ایران و آلمان در بحث مرور زمان در بخشی مشترک و در بخشی نیز افتراق دارند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، به عنوان نمونه در خصوص اینکه بخشی از مرور زمان مربوط به تعقیب جرم باشد، اشتراک دارند اما در زمان‌های مرور زمان تعقیب جرم با یکدیگر متفاوتند، در ایران سنگین‌ترین مرور زمان تعقیب مربوط به تعزیرات درجه ۱ تا ۳ است که ۱۵ سال برای آن مرور زمان در نظر گرفته شده و سبک‌ترین مرور زمان مربوط به تعقیب جرم نیز مربوط به تعزیرات درجه ۷ و ۸ است که ۳ سال مرور زمان برای آن در نظر گرفته شده است. اما در حقوق آلمان برای مرور زمان تعقیب سنگین‌ترین مرور زمان تعقیب جرم، ۲۰ سال است که مربوط به جرایمی است که میزان مجازات آنها بیش از ۱۰ سال نباشد، در نتیجه سال‌های در نظر گرفته شده در مرور زمان تعقیب جرم در حقوق آلمان از حقوق ایران بیشتر است.
 نقطه اشتراک دیگر، تقسیم‌بندی دیگری تحت عنوان مرور زمان اجرای مجازات است که در حقوق ایران و آلمان وجود دارد، در حقوق ایران، بیشترین مدت مرور زمان در اجرای مجازات، ۲۰ سال است که مربوط به تعزیرات درجه ۱ تا ۳ است و کمترین آن ۵ سال است که مربوط به تعزیرات درجه ۷ و ۸ است، در حقوق آلمان طبق ماده ۷۹، مرور زمان اجرای مجازات باز هم از حقوق ایران بیشتر است و برای حبس بیش از ۱۰ سال حدود ۲۵ سال مرور زمان در نظر گرفته شده است.
 یکی دیگر از جلوه‌های اشتراک میان حقوق کیفری ایران و آلمان، مربوط به ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های جرایم مشمول مرور زمان است، اما در بیان جزئیات با یکدیگر متفاوت هستند، در ایران جرایم علیه امنیت یا جرایم اقتصادی و مواد مخدر از این موضوع منع شده‌اند اما در حقوق آلمان صرفاً قتل بر طبق شرایط مشدد خاص که موضوع ماده ۲۱۱ قانون مجازات آلمان است از مرور زمان محروم شده است.

^{۲۳}.Legislation Comparee, Les Actes Interruptifs de la prescription, Allemagne-Espagne, Italie, Royaume- Uni, Republique Franciase, juin 2016, p15.



یکی دیگر از نقاط اشتراک میان حقوق کیفری ایران و آلمان، مربوط به بحث مواردی است که قاطع مرور زمان خواهند شد، در حقوق آلمان در ماده ۷۵ به مواردی نظیر هرگونه جلسه استماع توسط قاضی، هرگونه دستور قضایی بازداشت، تفتیش یا بازرسی، حکم بازداشت، حکم حبس، آغاز تعقیب عمومی، آغاز دادرسی اصلی و غیره قطع می‌شود، در حقوق ایران نیز چنین امری پیش‌بینی شده است، هرچند که در جزئیات متفاوت هستند، این موارد شامل احضار، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، معاینات محلی و نیابت قضایی و غیره است.

یکی از نقاط افتراق میان حقوق کیفری ایران و آلمان، بیان کردن جزئیات در خصوص مرور زمان در حقوق کیفری آلمان در حالات مختلف بر خلاف حقوق کیفری ایران است که احکام کلی صادر کرده و مساله مرور زمان را کلاً در ۹ ماده تعیین و تکلیف کرده است، مثلاً در حقوق آلمان جزئیاتی نظیر اینکه اگر مجرم اعضای پارلمان فدرال یا نهادهای قانونگذاری آلمان باشد بیان شده که مشخص نموده است که باید مرور زمان در خصوص این مجرم به چه نحوی اعمال شود و یا برای اینکه مشخص شود اگر مجرم ساکن خارج از آلمان باشد مرور زمان باید به چه نحوی در خصوص این مجرم اعمال شود، مواد قانونی و بندهایی در نظر گرفته شده است، اما در حقوق ایران به این جزئیات و شخصیت مجرم و تاثیر آن در مرور زمان کمتر توجه شده است. موضوع دیگری که در حقوق آلمان برخلاف حقوق ایران مورد اشاره قرار گرفته است، مساله تمدید مدت مرور زمان است، در حقوق آلمان در بند ب ماده ۷۹ مساله تمدید مرور زمان برای یکبار پیش‌بینی شده است و همین موضوع نیز به صورت جزئی در دو فرض پیش‌بینی شده است، در صورتی که مجرم در کشوری باشد که استرداد وی ممکن نباشد، و در فرضی که مجرم در کشوری باشد که استرداد وی ممکن باشد. این موضوع در حقوق کیفری ایران پیش‌بینی نشده است.

نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان بیان کرد این است که قانون‌گذار آلمان نسبت به مرور زمان جرم با رویه شدید برخورد کرده است، به طوری که وقتی به احتساب مدت مرور زمان در جرایم مختلف مراجع می‌شود چنین سخت‌گیری‌هایی را می‌توان مشاهده کرد که با این که می‌توان قانون مجازات آلمان را یکی از قوانین قوی در این عرصه دانست ولی باید عنوان کرد که برخی کاستی‌هایی در این زمینه نیز وجود دارد از جمله این که اگر اجرای مجازات در اثر تقصیر مجرم متوقف شود مرور زمان آن چگونه خواهد بود یا در مورد جرایم ارتكابی از ناحیه شخص حقوقی آیا مرور زمان نیز مشمول آن خواهد بود یا نه؟ و این که اگر شخص در شرایطی باشد که امکان شکایت برای وی میسر نباشد چه قاعده‌ای باید بر آن حاکم دانست؟ اما با همه توضیحات داده شده باید عنوان کرد که زمان شروع مرور زمان در جرایم در قانون آلمان زمانی می‌باشد که حکم صادره توسط دادگاه طی مراحل قانونی قطعی شده باشد در غیر این صورت مشمول مرور زمان نخواهد بود و مواردی را نیز بر رفع مرور زمان‌بندان کرده است از جمله تعلیق یا تعویق مجازات، جبران ضرر و زیان مادی و معنوی حاصل از جرم.

در متن قوانین ایران نیز برای شکایت شاکی، تعقیب جرم و اجرای مجازات مدت زمان‌های مشخصی قرار داده شده است که در صورت منقضی شدن آن زمان‌ها حسب مورد دیگر شاکی حق شکایت نخواهد داشت، قواعد مرور زمان شامل جرائم تعزیری است و شامل مجازات‌های حدی، قصاص و دیات نمی‌شود، مدت مرور زمان اجرای مجازات بیشتر از مدت مرور زمان تعقیب مجازات است. در حقوق کیفری ایران، این مجازات‌ها شامل مرور زمان نمی‌شوند: جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و تبصره ماده ۳۶، جرائم موضوع مواد مخدر. ضمناً هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی‌شود.



منابع

۱. ابراهیم پور، کاوه، (۱۳۹۳)، *مرور زمان در احکام کیفری از منظر فقه امامیه و عامه*، تهران، نشر بخشایش.
۲. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، *حقوق جزای عمومی*، جلد سوم، تهران، نشر میزان.
۳. اصلی عباسی، (۱۳۹۰)، *ترجمه قانون مجازات آلمان*، تهران، نشر مجد.
۴. بهره‌ور، مصطفی، (۱۳۹۵)، *بررسی نهاد مرور زمان در نظام کیفری ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
۵. حائری، مسعود، (۱۳۸۴)، *مرور زمان کیفری در حقوق کنونی ایران: ابهامات، کاستی‌ها، چاره‌جویی‌ها*، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۸.
۶. حبیبی تبار، جواد و کرمی پور، مصطفی، (۱۳۹۴)، *جایگاه مرور زمان در تعزیرات از منظر فقه و حقوق اسلامی*، مقاله ارائه شده به کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی.
۷. خالقی، علی، (۱۳۹۴)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران، نشر شهر دانش.
۸. رجبی، اکبر و مهدوی پور، اعظم، (۱۳۹۷)، *بررسی تطبیقی مرور زمان در فقه و حقوق کیفری ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی (ره)*، نشریه متین، شماره ۷۹.
۹. فر شباف، ایرج، (۱۳۹۵)، *بررسی تطبیقی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون کیفری فرانسه*، نشریه کانون وکلا، شماره ۲۳۲ و ۲۳۳.
۱۰. *قانون اساسی آلمان*.
۱۱. قدمی عزیز آباد، مصیب، (۱۳۹۶)، *بررسی مرور زمان در حقوق کیفری ایران، با تاکید بر مرور زمان تعقیب*، نشریه اندیشمندان حقوق، شماره ۱۲.
۱۲. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۴)، *محشی قانون مجازات اسلامی*، تهران، نشر مجد.
۱۳. مهدی زاده کسینه، حسین، (۱۳۹۵)، *مرور زمان کیفری و تکالیف پلیس*، نشریه انتظام اجتماعی، شماره ۳.
۱۴. یارمحمدی، علیرضا، (۱۳۹۷)، *قطع و تعلیق مرور زمان کیفری*، تهران، نشر پرپروک.
15. Legislation Comparee, Les Actes Interruptifs de la prescription, Allemagne-Espagne, Italie, Royaume- Uni, Republique Franciase, juin 2016.



A Comparative Study of the Passage of Time in Iranian & German Law with a View on Health Crimes

Leila Faramarizi

M.A in Department of Criminal Law & Criminology, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author)
Leylafaramarzi1362@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: One of the topics that can be mentioned in the matter of dealing with committed crimes is the passage of time resulting from the crime, so that when a crime is committed, after the time specified in the law for each crime, the perpetrator or Its perpetrators cannot be prosecuted or punished, but it must be stated that one of the main issues in calculating the passage of time is the time of this matter, so that the legislator of each country, including Iran and Germany, must specify that the passage of time in crimes committed in When does it start? So that in German law, when considering the basis of the beginning of the passage of time, it emphasizes that the passage of time is calculated after the final judgment of the court against the criminal, and in Iranian law, there are criteria such as the time of the crime, the time of the last prosecution and the time of the complaint has been noticed, the purpose of this article is to examine the passage of time in German and Iranian law and the rules governing them.

Methodology: In this article, it has been compiled in a library method using books, articles and laws that have presented materials in this field.

Findings & Results: The German legislator has considered the beginning of the passage of time to be the time of completion of the crime, which is the finalization of the sentence issued by the court, and the basis for calculating the passage of time for each crime is the prison sentence resulting from that crime, cases such as the postponement of the issuance The verdict has considered the suspension of the execution of the punishment and the deadline for compensation of material and spiritual losses to be among the cases of removing the passage of time. Iran's criminal law has also considered multiple criteria for establishing the passage of time, although the passage of time can only be implemented in punishments and some they are also exempted from certain crimes.

Keywords: Passage of Time, Completion of Crime, Stoppage of Passage of Time, Restraining Order, German Law, Iranian Law